



# بررسی کاربرد اصطلاحات انگلیسی در مقاله‌های پژوهشی زبان‌شناسی کاربردی: پژوهشی پیکره‌محور

## الهام فراهانی\*

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

Email: efara66@gmail.com

## هوشنگ یزدانی\*\*

(نویسنده مسئول)

استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

Email: h-yazdani@araku.ac.ir

## موسی احمدیان\*\*\*

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

Email: m-ahmadian@araku.ac.ir

## مجید عامریان\*\*\*\*

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

Email: m-amerian@araku.ac.ir



## چکیده

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند اصطلاحات که فزونی، وجهی غیررسمی، پررنگ و لعاب، و سرگرم‌کننده زبان محسوب می‌شوند، به‌گفتمان رسمی هم راه یافته‌اند، اما تاکنون در بارهٔ ورود اصطلاحات به‌گونه‌های نوشتاری و رسمی، از جمله مقاله‌های پژوهشی، تحقیقی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر نقش کاربردی اصطلاحات در پیکره‌های زبانی مشتمل بر ۴۰۹،۱۲۲ واژه را، که به‌صورت تصادفی از مقاله‌های منتشرشده در گسترهٔ زبان‌شناسی کاربردی انتخاب شده‌اند، شناسایی و بررسی کرده است. افزون بر این، کاربرد اصطلاحات در مقاله‌های انگلیسی نویسندگان فارسی زبان و انگلیسی زبان این گستره مقایسه شده است. نتایج تحلیل‌های آماری استنباطی نشان می‌دهند که، در نگارش مقاله‌های پژوهشی، نویسندگان انگلیسی زبان آشکارا می‌بینیم که فزونی از نویسندگان فارسی زبان، از اصطلاحات استفاده می‌کنند. بر مبنای پژوهش حاضر، شش نقش کاربردی اصطلاحات استخراج و همچنین فهرستی از پرکاربردترین اصطلاحات در مقالات پژوهشی عرضه شده است. این نقش‌های شش‌گانه عبارتند از: ارزیابی‌کننده، اطلاعات‌دهنده، تعیین ماهیت، تأکیدی، سازماندهی‌کننده و چندگانه. با بررسی و ارائهٔ اصطلاحات انگلیسی دانشگاهی در مقاله‌های پژوهشی زبان‌شناسی کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفادهٔ استادان دانشگاهی درس‌های نگارش انگلیسی، دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری و تهیه‌کنندگان کتاب‌های آموزشی قرار گیرد.

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.291411.694 کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

## اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۸/۰۴  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸  
تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۹  
نوع مقاله: علمی پژوهشی

## کلید واژگان:

اصطلاحات انگلیسی، کاربرد اصطلاحات، پیکره، مقاله پژوهشی، زبان‌شناسی کاربردی

فراهانی، الهام، یزدانی، هوشنگ، احمدیان، موسی، عامریان، مجید (۱۳۹۹). بررسی کاربرد اصطلاحات انگلیسی در مقاله‌های پژوهشی زبان‌شناسی کاربردی: پژوهشی پیکره‌محور. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۰(۱۰)، ۳۹۰-۴۰۵.

Farahani, Elham, Yazdani, Hooshang, Ahmadian, Moussa, Amerian, Majid (2020). An Investigation of Idioms in Applied Linguistics Research Articles: A Corpus-driven Study. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 390-405.

DOI: 10.22059/jflr.2020.291411.694

\* الهام فراهانی دانشجوی دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه اراک است. حوزه‌های تحقیقی مورد علاقه وی عبارتند از: زبان‌شناسی پیکره ای، انگلیسی برای اهداف دانشگاهی و اصطلاحات.

\*\* هوشنگ یزدانی قره‌آج عضو هیات علمی دانشگاه اراک است. ایشان کارشناسی و کارشناسی ارشد را از دانشگاه شیراز و دکتری خود را از دانشگاه اسکس انگلستان دریافت کردند.

\*\*\* موسی احمدیان دانشیار دانشگاه اراک و دارای مدرک دکتری از دانشگاه شیفلد می‌باشند. قلمروهای علاقمندی ایشان آموزش زبان، فراگیری زبان اول و دوم، تحلیل گفتمان انتقادی، و ترجمه شناسی است.

\*\*\*\* مجید عامریان عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه اراک است. حوزه‌های تحقیقی مورد علاقه وی عبارتند از: تهیه کتب درسی، آزمون سازی، نظریه فرهنگی - اجتماعی، نگارش و مطالعات فرهنگی و پسااستعماری است.



# An Investigation of Idioms in Applied Linguistics Research Articles: A Corpus-driven Study



**Elham Farahani\*\*\*\***

Ph.D. candidate in Teaching English as a Foreign Language, Arak University, Arak, Iran  
Email: efara66@gmail.com



**Hooshang Yazdani\*\*\*\***

(corresponding author)

Assistant Professor of Teaching, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran  
Email: h-yazdani@araku.ac.ir



**Moussa Ahmadian\***

Associate Professor of Teaching, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran  
Email: m-ahmadian@araku.ac.ir



**Majid Amerian\*\***

Associate Professor of Teaching, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran  
Email: m-amerian@araku.ac.ir

## ABSTRACT

Idioms, commonly considered to be a figure of informal, colorful, and entertaining language, are supposed not to lend themselves to formal discourses. However, idioms have been recently found to be employed in formal communications and academic discourse. This study strives to identify idioms in a corpus of 409122 words of 50 randomly selected Applied Linguistics papers. Moreover, the study aims to analyze different aspects of English idiom usage along with the pragmatic functions they perform in Applied Linguistics research articles. Furthermore, a comparison was made between the employment of English idioms and their functions in the articles written by native English-speaking and those of native Persian-speaking authors. Results of descriptive statistics indicated that English-speaking writers significantly used more idiomatic expressions in their research articles. Six pragmatic functions fulfilled by idioms in research articles were also extracted. Two lists of the most frequently used idioms in research articles were compiled. The six pragmatic functions include evaluative, informational, modalizing, emphatic, organizational, and cross-functioning. By studying and providing the most frequent academic idioms in Applied Linguistics research articles, the findings of this study can be useful for the EFL writing instructors, Applied Linguistics graduate and post graduate students, and teaching materials developers.

## ARTICLE INFO

Article history:

Received:  
26th, October, 2019

Accepted:  
17th, February, 2020

Available online:  
Summer 2020

## Keywords:

*English idioms; pragmatic functions; corpus; research articles; Applied Linguistics*

DOI: 10.22059/jflr.2020.291411.694

© 2020 All rights reserved.

Farahani, Elham, Yazdani, Hooshang, Ahmadian, Moussa, Amerian, Majid (2020). An Investigation of Idioms in Applied Linguistics Research Articles: A Corpus-driven Study. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 390-405.  
DOI: 10.22059/jflr.2020.291411.694

\*\*\* Majid Amerian is an Associate Professor and faculty member at Arak University. His main research interests include materials development, testing, sociocultural theory, writing, cultural and postcolonial studies.

\*\*\*\* Hooshang Yazdani Gharehaghaj, BA Shiraz Univ., MA Shiraz Univ., Ph.D. Essex Univ. Assistant Professor, Dept. of English Language and Literature, Faculty of Arts and Humanities, Arak University, Arak.

\* Moussa Ahmadian is an Associate Professor at Arak University. He received his PhD from Sheffield University, UK. His fields of interest are FLA and SLA studies, CDA, and Translatology.

\*\* Majid Amerian is an Associate Professor and faculty member at Arak University. His main research interests include materials development, testing, sociocultural theory, writing, cultural and postcolonial studies.

## ۱. مقدمه

مقاله‌های پژوهشی موضوع تنوع بسیار در گستره «آموزش زبان انگلیسی برای اهداف دانشگاهی» (English for Academic Purposes) بوده‌اند. از این میان جستارهای فراوانی به واکاوی طفره (hedge) و تشدید (booster) (هایلند، Hyland) (۱۹۹۸، ۲۰۰۵)، خوشه‌های واژگانی (lexical bundles) (ادل و ارمن (Adel & Erman)، ۲۰۱۲؛ اسفندیاری و بربری (Esfandiari & Barbary)، ۲۰۱۷؛ شهریار، فنسولی، و فاطمی (Shahriari, Ghonsooly, and Fatemi)، ۲۰۱۳)، نشانگرهای نگرشی (Attitude marker) (مارتین (Martin)، ۲۰۰۰؛ مارتین و وایت (Martin & White)، ۲۰۰۳)، هماینها (collocations) (گلد‌هیل (Gledhill)، ۲۰۰۰؛ دورانت (Durrant)، ۲۰۰۹، پیکاک (Peacock)، ۲۰۱۲)، و دیگر ویژگی‌ها در مقاله‌های پژوهشی پرداخته‌اند. در حقیقت، مقاله‌های پژوهشی خود به «ژانر ممتاز دانشگاهی» بدل گشته‌اند (هایلند، ۲۰۰۶). دلیل آن را باید در نقش برجسته مقاله‌های پژوهشی در گسترش دانش در جوامع دانشگاهی دانست. بر این مبنای هایلند و پالتریج (Hyland & Paltridge) باوردارند که «چاپ [مقاله] برای دانشگاهیان ابزار اصلی ابراز صلاحیت و صعود از نردبان ترقی حرفه‌ای» است (۲۰۱۱، ص. ۱۷۳). اصطلاح انگلیسی معروف «یا چاپ کن یا نابود شو» (Publish or perish) بدرستی بازتاب نقش اساسی چاپ مقاله‌های علمی در حیات علمی استادان و دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری است.

با توجه به نقش مهم مقاله‌های علمی، پژوهشگران گرایش «آموزش زبان انگلیسی برای اهداف دانشگاهی» به بررسی آن دسته از ویژگی‌های مقاله‌های پژوهشی و متغیرهایی می‌پردازند که به نگارش مقاله‌های موفق و پذیرفتنی برای اعضای جامعه علمی خود می‌انجامند. پژوهش پیش رو نیز، با همین هدف به واکاوی جنبه تازه‌ای از این ژانر پرداخته که تاکنون در پیشینه پژوهشی این گرایش نادیده گرفته شده است: اصطلاحات دانشگاهی.

معمولا اصطلاحات، ساختاری از زبانند که بیشتر در ارتباطات غیررسمی و برای روان‌سازی زبان محاوره به کار می‌روند (سیمپسن و مندیس، ۲۰۰۳) (Simpson & Mendis) و از «روزمره‌ترین عبارتهای زندگی در هر زبانی به حساب می‌آیند» (زارعی و شیر محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۵۱۸)؛ به همین

سبب، بررسی اصطلاحات در مقاله‌های پژوهشی به‌عنوان گونه‌ای از گفتمان دانشگاهی مورد توجه قرار نگرفته است. اوکیفی، مک کارتی، و کارتر (O'Keeffe, McCarthy and Carter) (۲۰۰۷) باور دارند که «به‌باور عموم بافتار دانشگاهی و اصطلاحات با هم ربط چندانی ندارند» (ص. ۹۰)، اما خود بر این باورند که «اصطلاحات نقش‌هایی دارند که مبنای شکل‌گیری و تثبیت روابط بین‌فردی است که نشان‌دهنده پیوندهای اجتماعی، دوستانه، و غیررسمی‌اند» (ص. ۸۸).

با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهند که اصطلاحات که در بافت خشک و رسمی دانشگاهی چون نغمه‌ای ناهمگون جلوه می‌کنند، به‌فراوانی در زبان دانشگاهی گفتاری به کار می‌روند (سیمپسن و مندیس، ۲۰۰۳). برای مثال، اوکیفی و همکاران (۲۰۰۷) نمونه‌هایی از کاربرد اصطلاحات در موقعیت‌های دانشگاهی ارائه داده‌اند که در آن همگان باور دارند که استفاده از اصطلاحات برای نشان‌دادن رابطه دوستانه و انتقال دوستانه پیام ضروری است.

نکته مهم دیگر آنکه پژوهشگرانی که به‌کشف ماهیت اصطلاحات در بافت‌های گوناگون تمایل دارند، باور دارند که بهره‌گیری از اصطلاحات، نباید محدود به کاربرد مترادف‌های رسمی‌تر، علمی‌تر و ادبی‌تر به‌جای آن‌ها شود. در واقع، اصطلاحات نقش گفتمانی مهمی در بافت دانشگاهی و غیردانشگاهی ایفا می‌کنند و جانشین پذیر نیستند (موون (Moon) (۱۹۹۸، مک‌کارتی (McCarthy)، ۱۹۹۸؛ سیمپسن و مندیس، ۲۰۰۳).

با توجه به این خلاء پژوهشی، این جستار، سه‌هدف را در بحث اصطلاحات دانشگاهی دنبال می‌کند: الف) رایه فهرستی از متداول‌ترین اصطلاحات دانشگاهی در مقاله‌های پژوهشی در گستره زبان‌شناسی کاربردی؛ ب) نگاه دقیق به نقش گفتمانی-کاربردی اصطلاحات در این بافت؛ و ج) مقایسه کاربرد اصطلاحات در مقالات منتشرشده نویسندگان فارسی زبان و انگلیسی زبان در مجلات تخصصی زبان‌شناسی کاربردی انگلیسی زبان.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۱-۲ اصطلاح

لیو (Liu) (۲۰۰۳) باور دارد که در هر پژوهشی در

زمینه اصطلاحات — به‌عنوان گونه‌ای از ترکیب‌های قالبی (موون، ۱۹۹۸؛ ورای و پرکینز، ۲۰۰۰) (Wray & Perkins) — مهم‌ترین و در عین حال، دشوارترین کار ارائه تعریفی جامع و مانع از اصطلاح است، به این دلیل که اصطلاحات وجهی بسیار پیچیده از زبانند (لانگلوتز، ۲۰۰۶) (Langlotz). این نکته خود گویای آن است که چرا پژوهشگران تعریف‌های گوناگونی از اصطلاح به دست داده‌اند و در پیکره‌های خود، معیارهای متفاوتی برای تشخیص اصطلاحات در نظر گرفته‌اند.

از نظر برخی پژوهشگران، دایره اصطلاحات عبارت‌های قالبی (Fixed phrases)، مثل‌ها، و حتی تک‌واژه‌هایی را در برمی‌گیرد که به صورت استعاری به کار گرفته می‌شوند (برای نمونه، موون، ۱۹۹۸). برخی پژوهشگران دامنه تعریف اصطلاح را بسیار محدودتر در نظر گرفته‌اند. برای مثال، فرناندو (Fernando) (۱۹۹۶) برای تمایز اصطلاحات از دیگر عبارات پیش‌ساخته (Prefabricated expressions) بر تغییرناپذیری ماهیت اصطلاحات تأکید می‌کند:

تنها آن دسته از عبارت‌ها را می‌توان اصطلاح برشمرد که در آن واژه‌ها با ترتیب و صورت‌بندی واژگانی خاص، شکلی ثابت به خود می‌گیرند یا تنوع محدودی را برمی‌تابند. ترکیب‌هایی مانند *catch a bus* و *catch a train* را که دگرگونی و به‌ویژه جایگزین واژگان بسیاری می‌شوند، نمی‌توان اصطلاح نامید، هرچند اگر به سبب کاربرد فراوان، ظاهر اصطلاح را به خود گرفته باشند: واژه *catch* به معنای «به موقع رسیدن» می‌تواند با هر گونه ترابری هم‌نشین شود، حتی عبارت *catch the post* نیز دور از ذهن نیست. (ص. ۳۱)

فرناندو برای دسته‌بندی اصطلاحات، آن‌ها را به سه گروه "اصطلاح محض" (pure idioms) (برای نمونه، pull someone's leg)، "اصطلاح نیمه-لفظی" (Semi-literal idioms) (برای نمونه، fat chance)، و "اصطلاح لفظی" (literal idioms) (برای نمونه، in sum, according to) تقسیم می‌کند.

سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) درباره اصطلاحات گفتمان دانشگاهی اصطلاح را این گونه تعریف می‌کنند: «گروهی از واژه‌ها که کم و بیش بصورت قالبی در کنار هم قرار می‌گیرند و معنای آن‌ها را نمی‌توان با بررسی معنایی تک‌تک اجزا

دریافت» (ص. ۴۲۳)، و سپس سه معیار برای تشخیص اصطلاحات معرفی می‌کنند: هم‌نهادگی (Compositeness) یا قالبی بودن (Fixedness)، نهادینه شدگی (Institutionalization)، و تیرگی معنایی (Semantic opacity).

گران و بائر (Grant & Bauer) (۲۰۰۴) نیز معیارهای هم‌نهادگی و استعاری بودن را معیار تشخیص اصطلاح در نظر می‌گیرند و بر این مبنا اصطلاحات را به سه گروه تقسیم می‌کنند: اصطلاح بنیادین (core idioms)، که نه ترکیبی است و نه استعاری (مثلاً، red herring)؛ اصطلاح استعاری (figurative)، که مانند اصطلاح ترکیبی است، اما ماهیت استعاری دارد (مثلاً، bottom line)؛ و اصطلاح غیرهم‌نهاد استعاری (ONCEs)، که در آن واژه‌ای غیرهم‌نهاد (Non-compositional) ممکن است استعاری نیز باشد (مثلاً، at stake).

بیکر (۲۰۱۸) (Baker) بر مبنای دو معیار شفافیت معنایی (transparency of meaning) و قالبی بودن، سه دسته اصطلاحات، هماینها و عبارات قالبی را از هم جدا می‌کند. به باور وی، اصطلاحات نه شفافیت معنایی دارند و نه قابلیت تغییر در ساختار. هماینها، از سوی دیگر، هم شفافیت معنایی دارند و هم قابلیت دگرگونی ساختاری. به‌عنوان مثال، پی‌بردن به معنای dry cow آنچنان دور از ذهن نیست و احتمالاً هر خواننده‌ای می‌تواند حدس بزند که منظور از dry cow چه نوع گاوی است. بیکر در میان این دو دسته از عبارات، عبارات قالبی را قرار می‌دهد که شفافیت معنایی دارند، ولی در آن‌ها نمی‌توان تغییری ایجاد کرد.

از نظر اکبریان (۲۰۱۲)، عامل تعیین‌کننده در تمایز اصطلاحات از دیگر ترکیب‌های قالبی «معنا» است. او در این راستا معیارهایی را برای بازشناسایی اصطلاحات از عبارات پیش‌ساخته ارائه می‌دهد: نخست آنکه اجزای یک اصطلاح سازه‌های معنایی نیستند. دوم، زمانی عبارت اصطلاح محسوب می‌شود که فقط از بافت بتوان معنای آن را فهمید. سوم، عبارت تنها زمانی اصطلاح محسوب می‌شود که ساختار دستوری آن با قواعد دستوری معاصر مطابقت نکند.

پژوهش پیکره‌محور موون (۱۹۹۸) در زمینه اصطلاحات از نخستین و ژرف‌ترین پژوهش‌ها در گستره اصطلاحات و عبارات قالبی است. پیکره مورد نظر، پیکره ۱۸ میلیون واژه‌ای

«پروژه هکتور آکسفورد» (Oxford Hector Project) و دربرگیرنده داستان، مجله، و گفتار است. موون عبارات قالبی و اصطلاحات این پیکره را از نظر تعریف، فراوانی، کارکرد، و تنوع واکاویده و از این راه فهرستی از پربسامدترین اصطلاحات و همچنین، توضیح‌هایی در باره کارکردشان ارائه داده است. نتیجه پژوهش وی نشان می‌دهد که اصطلاحات محض در قیاس با دیگر اصطلاحات نادرند و بیشتر در متون نوشتاری به چشم می‌خورند. از نظر تنوع اصطلاحات، قالبی بودن ویژگی مهم عبارات قالبی و اصطلاحات است؛ با وجود این، حدود ۴۰٪ عبارات قالبی و اصطلاحات در این پیکره یا تنوع واژگانی داشتند یا از شکل مرسوم دیگری برخوردار بودند، و حدود ۱۴٪ در شکل بنیادین خود دارای تنوع بودند. سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) با بهره‌گیری از پیکره زبان گفتاری علمی میشگان (The Michigan Corpus of Academic Spoken English)، پژوهشی پیکره‌محور درباره اصطلاحات زبان گفتاری دانشگاهی انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی امکان بهره‌گیری از رویکردهای پیکره‌محور در پژوهش و آموزش اصطلاحات بود. به عبارت دقیق‌تر، پژوهندگان برآن بوده‌اند که بدانند کدام اصطلاحات برای گنجاندن در درس‌های آموزش زبان انگلیسی مناسب‌ترند. این پژوهش کارکرد گفتمانی اصطلاحات موجود در پیکره را نیز بررسی کرد. گفتارهای این پیکره شامل سخنرانی‌های طولانی در جلسه‌های دفاع، گفت و گوهای رودرروی دانشجویان با استادان در ساعت‌های مشاوره، و جلسه‌های گروهی اعضای گروه‌های آموزشی مختلف در دانشگاه میشیگان بود. معیارهای مطالعه برای تعیین اصطلاحات در پیکره، شامل موارد زیر بود: هم‌نهادگی یا قالبی بودن، بدین معنا که واحدهای واژگانی این عبارات معمولاً ثابتند و نمی‌توان به‌سادگی آن‌ها را در طول عبارت جابه‌جا و یا با واژه دیگری عوض کرد (فرناندو، ۱۹۹۶؛ مک کارتی، ۱۹۹۸؛ موون، ۱۹۹۸)؛ نهادینگی، به معنای رایج شدن و نهادینه شدن عبارتی که در ابتدا عبارتی ارتجالی و نوساخته بوده است (فرناندو، ۱۹۹۶)؛ و تیرگی معنایی، که نشان می‌دهد معنای واژه از مجموع اجزای آن دریافتنی نیست (فرناندو، ۱۹۹۶). نتیجه این پژوهش تعیین ۲۰ اصطلاح مناسب برای گنجاندن در برنامه آموزشی و همچنین شناسایی ۳۲ اصطلاح بسیار پرکاربرد در این پیکره بود. افزون بر این،

بیشترین کارکرد گفتمانی اصطلاحات مورد نظر شامل ارزشیابی، توصیف، بازگویی، تاکید، همکاری، و فرازیان بود. لیو (۲۰۰۳) پژوهش خود را به بررسی اصطلاحات گفتاری انگلیسی امریکایی در سه پیکره پرکاربرد گفتار دانشجویان و کارشناسان معطوف کرد. لیو چهار فهرست از پرکاربردترین اصطلاحات گفتاری ارائه داد که می‌تواند مبنای مواد آموزشی قرار گیرند. افزون بر این، مقایسه این فهرست‌ها با اصطلاحات ارائه شده در هشت فرهنگ اصطلاحات نشان داد که برخی مواد آموزشی متداول برای آموزش اصطلاحات مناسب نیستند؛ برای مثال، بسیاری از مواد آموزشی بررسی شده، اصطلاحاتی چون *on cloud nine* و *cop out* را در بر می‌گرفت که در هیچ یک از فهرست‌های تهیه شده به چشم نمی‌خوردند؛ نتایج نشان از کمیاب بودن اصطلاحات محض در پیکره‌ها داشت.

اوکافی و همکاران (۲۰۰۷) اصطلاحات موجود در پیکره‌های CANCODE, CIC را بررسی کرده و فهرستی از اصطلاحات پربسامد هر یک از این پیکره‌های گفتاری را ارائه داده‌اند. بررسی این پژوهشگران، فراوانی بیش از ۱۰۰ بار را در کاربرد اصطلاحاتی چون *there you go, figure something out, make sense, once in a while, how come, fair enough* را ثبت کرده است.

برخلاف پژوهش‌های پیکره‌محور که معطوف به بررسی فهرست‌هایی بر مبنای رشته‌های تحصیلی بوده‌اند، پژوهش سیمپسن و الیس (Simpson and Elli) (۲۰۱۰) به دنبال ارائه فهرستی از ترکیب‌های قالبی مشترک بین رشته‌های گوناگون دانشگاهی است. این مطالعه گفتار، نوشتار، و گونه‌های دانشگاهی را شامل می‌شود. هدف گردآوری فهرستی شبیه به «فهرست واژگان دانشگاهی» (Academic Word List) با رویکردی آموزشی بوده است. بدین ترتیب، فهرست‌هایی جداگانه از عبارات ترکیبی دانشگاهی گفتاری و نوشتاری به همراه کارکردهایشان تهیه شده است. حاصل این کوشش فهرست‌هایی است که ممکن است برای استفاده در دوره‌های نگارش دانشگاهی بسیار سودمند باشند.

اصطلاحات مربوط به رنگ‌ها هم توجه وکلویکوا (Vaclavikova) (۲۰۱۰) را به خود جلب کرد. او تعداد اصطلاحات انگلیسی مربوط به رنگ‌ها را در پیکره انگلیسی امریکایی معاصر (Corpus of Contemporary

(The British American English)، پیکره ملی بریتانیا (National Corpus) و پیکره انگلیسی آمریکایی مجله تایم (TIME Magazine Corpus of American English) بررسی کرد و به این نتیجه رسید که فراوانی اصطلاحات در انگلیسی آمریکایی بیشتر از انگلیسی بریتانیایی است و تعداد اصطلاحات مربوط به رنگ‌ها در روزنامه‌ها و مجلات بیشتر از متون علمی است.

پژوهش دیگر در زمینه اصطلاحات، پژوهش لیو (۲۰۱۲) است، مطالعه‌ای پیکره‌محور از پرسامدترین سازه‌های چندواژه‌ای زبان انگلیسی دانشگاهی با بهره‌گیری از بخش نوشتار دانشگاهی پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر و پیکره ملی بریتانیا، که به ترتیب حجمی معادل ۴۰۰ میلیون و ۱۰۰ میلیون واژه دارند. سازه‌های چندواژه‌ای در این تحقیق قالب‌های ثابت و نیمه ثابت زیر را در بر می‌گیرد: اصطلاح، هم‌آیی، عبارت قالبی، گروه کلمات، و خوشه واژگانی. استخراج سازه‌های چندواژه‌ای در این پیکره با بهره‌گیری از فهرست متداول‌ترین سازه‌های چندواژه‌ای حاصل از پژوهش‌های دیگر و سه فرهنگ اصطلاحات انجام شد. برخی اصطلاحات و عبارات فعلی نیز بر اساس شم زبانی پژوهشگر به فهرست‌ها افزوده شده، که حاصل آن فهرستی مشتمل بر ۲۲۸ سازه چندواژه‌ای است. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که: (الف) اسم و سازه‌های دارای حرف اضافه بیشترین فراوانی را در سازه‌های چندواژه‌ای در زبان نوشتاری انگلیسی دانشگاهی دارند؛ (ب) اصطلاحات در زبان نوشتاری دانشگاهی به ندرت به کار گرفته می‌شوند؛ (ج) سازه‌های چندواژه‌ای رشته محورند.

اخیراً پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر مورد تتبع رفعت‌بخش و احمدی (Rafatbakhsh & Ahmadi) (۲۰۱۹) نیز قرار گرفته است. در این پژوهش پیکره‌محور، ۱۵۰۶ اصطلاح که در انتهای فرهنگ اصطلاحات انگلیسی آکسفورد (The Oxford Dictionary of Idioms) بصورت موضوعی در ۸۱ دسته درج شده‌اند، بررسی و واکاوی شدند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اصطلاحات مربوط به موضوع «اختفا» (Secrecy) از میان موضوعات دیگر، فراوانی بیشتری دارند و اصطلاح behind the scenes بیشترین فراوانی را در میان تمامی اصطلاحات داشت.

رفعت‌بخش و احمدی (۲۰۲۰) نیز تمامی ۵۰۰۰ اصطلاح

موجود در فرهنگ اصطلاحات انگلیسی آکسفورد را در پنج ژانر انگلیسی گفتاری، داستان، مجلات، روزنامه‌ها و متون علمی در پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر مورد بررسی قرار دادند. پنج فهرست از رایج‌ترین اصطلاحات در هر یک از این گونه‌ها بر این پژوهش است. در ژانر انگلیسی گفتاری، اصطلاح (every last (or single)، در ژانر داستانی، big deal، در ژانر مجلات the bottom line، در ژانر روزنامه‌ها با هم the bottom line و در ژانر متون علمی in the long run بیشترین فراوانی را دارند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اصطلاحات وجهی مهم و تاثیرگذار در زبان دانشگاهی گفتاریند. با این حال، بررسی حاضر حاکی از وجود خلاء پژوهشی در کاربرد اصطلاحات در ژانر دانشگاهی نوشتاری، از جمله مقالات پژوهشی، است. بررسی‌های ما نشان می‌دهد فرضیه محدود بودن کاربرد اصطلاحات به زبان غیررسمی، که فاصله بسیاری با زبان جستارهای پژوهشی دارد، سبب شده است کار پژوهشی چندانی در گستره کاربرد اصطلاحات در مقالات پژوهشی صورت نگیرد. بر همین اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا این مهم را با پیکره‌ای کوچک از مقالات پژوهشی در زمینه زبان‌شناسی کاربردی به انجام رساند تا کاربرد و نقش گفتمانی و کاربردی اصطلاحات در این ژانر خاص را دقیق‌تر واکاوی کند و راه را برای پژوهش‌های آتی هموارتر نماید. بر این اساس، جستار حاضر به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر است:

۱. پرسامدترین اصطلاحات به کار رفته در مقاله‌های انگلیسی زبان شناسی کاربردی کدامند؟
۲. آیا تفاوتی از نظر میزان بهره‌گیری از اصطلاحات بین نویسندگان فارسی زبان و انگلیسی زبان در مقاله‌های انگلیسی زبان‌شناسی کاربردی مشاهده می‌شود؟
۳. نقش کاربردی اصطلاحات در مقاله‌های انگلیسی زبان‌شناسی کاربردی چیست؟

### ۳. روش پژوهش

#### ۳-۱ پیکره

پیکره بکاررفته در این پژوهش از مقالات چاپ شده در گستره زبان‌شناسی کاربردی تشکیل شده است. این پیکره

به‌طور مساوی به‌دو پیکره تقسیم می‌شود. پیکره اول متشکل از مقالات نوشته‌شده توسط مولفان انگلیسی زبان (مولفانی که انگلیسی زبان مادریشان است، اما ممکن است ملیت‌هایی به‌جز امریکایی و بریتانیایی داشته‌باشند) است که به‌صورت تصادفی از مجله *ELT Journal* انتخاب شده‌اند. این مجله یکی از معتبرترین مجلات پژوهشی در رشته آموزش زبان انگلیسی است که از سال ۱۹۴۶ بصورت فصلنامه توسط دانشگاه آکسفورد در انگلستان منتشر می‌شود.

پیکره دوم شامل همان تعداد مقاله از مولفان فارسی زبان (نویسندگانی که فارسی زبان مادریشان و زبان انگلیسی زبان خارجی آن‌ها است) تشکیل شده است که به‌زبان انگلیسی نوشته شده و به‌صورت تصادفی از یک مجله معتبر ویژه نویسندگان ایرانی با عنوان *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)* برگزیده شده‌اند. این مجله بصورت فصلنامه توسط دانشگاه شیراز در ایران منتشر می‌شود.

### ۲-۳ فرایند انجام پژوهش

برای آنکه پیکره‌ای از مقاله‌های نویسندگان متخصص انگلیسی زبان به‌دست آوریم، ۲۵ مقاله منتشرشده در مجله *ELT Journal* طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. با در نظر گرفتن این نکته که در این مجله، مقالات مولفان هم انگلیسی زبان و هم غیر انگلیسی زبان منتشر می‌شود، ابتدا نام مولفان مقالات در اینترنت جست و جو شد تا اطمینان حاصل شود که نویسنده‌ها انگلیسی‌زبانند. سپس، ۲۵ مقاله انتخاب شدند تا در پیکره انگلیسی زبان‌ها قرار بگیرند.

برای پیکره مولفان ایرانی نیز ۲۵ مقاله منتشرشده طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ در مجله *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)* به‌صورت تصادفی انتخاب شدند.

مجموع کل واژه‌های مقاله‌های انتخاب شده از هر دو مجله که با برنامه واژه‌شمار تعیین شد، ۴۰۹۱۲۲ واژه بود.

برای استخراج اصطلاحات موجود در پیکره، ابتدا معیارهای خود را برای تشخیص اصطلاح براساس تعریف فرناندو (۱۹۹۶) از اصطلاح مشخص کردیم. سپس تصمیم بر آن شد که اصطلاحات به‌صورت دستی استخراج شوند، که

این کار نیاز به مطالعه دقیق تمام مقاله‌ها داشت. در حین این کار، به‌برخی از فرهنگ‌های اصطلاحات مانند فرهنگ اصطلاحات آکسفورد هم مراجعه شد.

### ۴. یافته‌ها

#### ۴-۱ تکرار و توزیع اصطلاحات انگلیسی در پیکره

##### مقاله‌های نویسندگان فارسی و انگلیسی زبان

در این پژوهش تلاش شده‌است تا پرکاربردترین اصطلاحات انگلیسی در دو پیکره از مقاله‌های پژوهشی شناسایی شوند. مجموع واژه‌های دو پیکره متشکل از ۴۰۹۱۲۲ کلمه و مجموع اصطلاحات استخراج شده از دوپیکره ۳۷۰ اصطلاح بود. جدول ۱ تعداد کل کلمات در هر یک از این پیکره‌ها و همچنین توزیع تکرار اصطلاحات در مقالات انگلیسی نویسندگان انگلیسی و فارسی‌زبان را نشان می‌دهد. افزون بر این، این جدول حاکی از آن است که در مجله‌های فارسی تعداد بیشتر کلمه اما شمار کم‌تری اصطلاح به‌کار رفته‌اند.

جدول (۱) تعداد کل کلمات و تکرار اصطلاحات

نمونه اصطلاحات	کلمات	پیکره
۱۹۷	۲۰۴۰۶۴	مقالات نویسندگان انگلیسی زبان
۱۷۳	۲۰۵۰۵۸	مقالات نویسندگان فارسی زبان
۳۷۰	۴۰۹۱۲۲	مجموع

از کل ۳۷۰ اصطلاح، ۲۹۱ اصطلاح یعنی حدود ۷۸ درصد آن‌ها فقط یک‌بار در کل مقاله‌ها آمده‌اند. بقیه اصطلاحات، بر اساس فراوانی خام به‌چهار گروه طبقه‌بندی شدند. جدول ۲ جزئیات بیشتری در باره تکرار اصطلاحات در پیکره‌ها ارائه می‌دهد.

جدول (۲) طیف رخداد

گروه	فراوانی	فراوانی در هر ۳۰۰ کلمه (تقریبی)	درصد
۱	۱	۲۹۱	۷۸/۶۴۸۶
۲	۲-۵	۴۵	۱۲/۱۶۲۱
۳	۶-۱۰	۲۴	۱۲/۱۶۲۱
۴	بیش از ۱۰	۱۰	۲/۷۰۲۷

جدول ۳ با در نظر گرفتن تعداد کاربرد اصطلاحات در پیکره‌ها، پرتکرارترین اصطلاحاتی را که بیش از ۱۰ بار در کل مقاله‌های پژوهشی به کار گرفته شده‌اند، نشان می‌دهد.

جدول (۳) پرتکرارترین اصطلاحات در دو پیکره

اصطلاحات پرتکرار	فراوانی خام
In line with	۲۵
As such	۲۴
As well as	۲۳
In the same /similar vain	۲۳
raise doubt/awareness/ issue/question/	۲۱
In other words	۲۱
Take into consideration	۱۹
Account for	۱۶
Pave the way	۱۵
Take into account	۱۴
Shed light on	۱۱

برای کاربردهای آموزشی ممکن در زمینه‌های EFL و EAP، تفاوت‌ها یا شباهت‌های ممکن بین نویسندگان انگلیسی‌زبان و فارسی‌زبان در کاربرد اصطلاحات در مقاله‌های انگلیسی نیز بررسی شد (جدول‌های ۴ و ۵).

جدول ۴ اصطلاحات با تکرار ۱۰ یا بیشتر را نشان می‌دهد که نویسندگان فارسی‌زبان در مقاله‌های پژوهشی خود به کار برده‌اند.

جدول (۴) پرتکرارترین اصطلاحات انگلیسی در پیکره مقاله‌های نویسندگان

فارسی‌زبان

اصطلاحات پرتکرار	فراوانی خام
As such	۲۲
In line with	۱۸
In the same/ a similar vein	۱۷
Shed light on	۱۶
In the light of	۱۴
In other words	۱۳
In order to	۱۱
on the other hand	۱۱
all in all	۱۱
Take into consideration	۱۱

اصطلاحات استخراج شده در پیکره زبانی مقاله‌های نویسندگان انگلیسی‌زبان بسیار متنوع بودند، در نتیجه، نسبت به اصطلاحات یافت شده در پیکره مقاله‌های نویسندگان ایرانی، تکرار بالایی نداشتند. بنابراین، همانطور که جدول ۵

نشان می‌دهد، تعداد اصطلاحات پرکاربرد در پیکره مقاله‌های انگلیسی‌زبان‌ها با بسامد ۱۰ یا بالاتر کم‌تر است.

جدول (۵) پرتکرارترین اصطلاحات در پیکره مقاله‌های نویسندگان

انگلیسی‌زبان

فراوانی خام	پرتکرارترین اصطلاحات
۱	As well as
۱۷	To raise doubt/question/ issue/ awareness
۱۴	In terms of
۱۲	In the light of
۱۲	Deal with

۴-۲ مقایسه

در این پژوهش، برای مقایسه و واکاوی داده‌های کاربرد اصطلاحات در مقاله‌های نویسندگان فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان، آمارهای توصیفی و استنباطی به کار گرفته شد. ابتدا از طریق آمارهای توصیفی درصد اصطلاحات به کار گرفته در مقاله‌ها محاسبه شد و سپس برای درک رابطه اصطلاحات انگلیسی به کار گرفته در دو پیکره، آزمون T مستقل به کار گرفته شد. جدول شماره ۶ نتیجه را نشان می‌دهد.

جدول (۶) آمارهای توصیفی

پیکره‌ها	میانگین	انحراف	کمینه	بیشینه	تعداد	
					معیار	معیار
مقاله‌های کلمات	۲۵	۸۲۰۲,۳۲	۱۵۱۵,۱۹۸	۵۱۱۶	۱۱۷۹۱	۲۵
فارسی اصطلاحات	۲۵	۱۳,۶۴	۷,۳۴۲	۳	۳۲	۲۵
زبان‌ها رابطه	۲۵	۰,۱۷۰۲	۰,۰۹۵	۰,۳	۰,۴۳	۲۵
مقاله‌های کلمات	۲۵	۴۹۲۲,۵۶	۶۱۶,۴۳۰	۳۸۲۲	۶۱۶۲	۲۵
انگلیسی اصطلاحات	۲۵	۱۵,۴۴	۵,۳۳۹	۵	۲۵	۲۵
زبان‌ها رابطه	۲۵	۰,۳۱۶۰	۰,۱۱۱	۰,۱۱	۰,۵۳	۲۵

جدول ۶ میانگین کلمات و اصطلاحات به کار رفته در مقاله‌های پژوهندگان فارسی و انگلیسی‌زبان را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین کلمات و اصطلاحات پیکره مقاله‌های فارسی‌زبان‌ها با انحراف معیار ۷/۳۴۲ به ترتیب ۸۲۰۲/۳۲ و ۱۳/۶۴ است. افزون بر این، درصد اصطلاحات در این مقاله‌ها با انحراف معیار ۰/۰۹۵ برابر با ۰/۱۷ درصد و بالاترین و پایین‌ترین درصد اصطلاحات به کار رفته در این مقاله‌ها به ترتیب ۰/۴۳ و ۰/۳ درصد است. در مقاله‌های انگلیسی‌زبان‌ها، میانگین کلمات و اصطلاحات با انحراف معیار ۵/۳۳۹ به ترتیب ۴۹۲۲/۵۶ و ۱۵/۴۴ و ۰/۳۱۶۰ درصد اصطلاحات در این مقاله‌ها با انحراف معیار



۰/۱۱۱ برابر با ۰/۳۱۶ درصد است. افزون بر این، بالاترین و پایین‌ترین درصد اصطلاحات در مقالات انگلیسی‌زبان‌ها به ترتیب ۰/۵۳ و ۰/۱۱ درصد است.

برای بررسی وجود هرگونه رابطه معنادار میان اصطلاحات به‌کاررفته در مقاله‌های پژوهندگان انگلیسی و فارسی‌زبان، آزمون T مستقل به‌کار گرفته شد. نتایج در جدول ۷ آمده است.

جدول (۷) آزمون T نمونه مستقل: مقایسه اصطلاحات به‌کاررفته در مجلات

انگلیسی‌زبان و فارسی‌زبان

مقدار P	df	T	خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پیکره‌ها
۰,۰۰۱	۴۸	-۵,۰۰۳	۰,۰۱۸۹۳	۰,۰۹۵	۰,۱۷۰۲	۲۵	مقاله‌های فارسی زبان‌ها
			۰,۰۲۲۱۶	۰,۱۱۱	۰,۳۱۶۰	۲۵	مقاله‌های انگلیسی زبان‌ها

همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود، مقدار p در ۴۸ درجه آزادی معادل ۰/۰۰۱ بود که بسیار کم‌تر از مقدار sig معادل ۰/۰۵ است. بنابراین، میانگین اصطلاحات به‌کار رفته در مقاله‌های پژوهشگران فارسی و انگلیسی‌زبان به‌طور معنادار متفاوت است؛ یعنی، استفاده از اصطلاحات در مقاله‌های پژوهشگران انگلیسی‌زبان بیشتر از استفاده از اصطلاحات در مقاله‌های پژوهشگران فارسی‌زبان است.

### ۳-۴ نقش‌های کاربردی اصطلاحات انگلیسی در مقاله‌ها

در این بخش، نقش برخی از اصطلاحات استخراج شده از مقالات تحقیقی در زمینه زبان‌شناسی کاربردی دقیق‌تر بررسی شد و شش نقش برای اصطلاحات به‌کاررفته دیده شد. باید گفت که دسته‌بندی اصطلاحات بر اساس کارکردهایی که ایفا می‌کنند به این معنا نیست که اصطلاحات فقط می‌توانند یک کارکرد داشته باشند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بعضی از اصطلاحات چند نقش دارند. مون (۱۹۹۸) این پدیده را نقش چند-گانه (Cross-functioning) می‌نامد. توضیح نقش اصطلاحات همراه با چند نمونه از پیکره مقاله‌های پژوهشگران انگلیسی و فارسی‌زبان در بخش زیر ارائه می‌شود.

### ۱-۳-۴ نقش ارزیابی‌کننده (Evaluative)

**مکارتی (۱۹۹۸)** نقش «ارزیابی‌کننده» اصطلاحات را در تعامل‌های گفتاری شناسایی کرده است. **سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳)** نیز اصطلاحاتی برای این اهداف در گفتمان‌های دانشگاهی پیدا کرده‌اند. **مکارتی (۱۹۹۸)** نقش ارزیابی‌کننده را «نقش مشاهده به‌علاوه اظهار نظر» تعریف می‌کند (ص. ۱۳۳). نمونه‌های زیر، که از پیکره زبانی مقاله‌ها استخراج شده‌اند، این نقش را نشان می‌دهند.

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های انگلیسی‌زبان‌ها:

1. *However, there is no consensus on what qualifies as evidence and how strong a piece of evidence is, which fans the flames of hot debates among scholars in various disciplines.*
2. *Disclaimers, on the other hand, mark absence and/or limitations of evidence and are intended to cut untenable edges.*

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های فارسی زبان‌ها:

1. *However, it tried to break the ice and pave the way for other researchers interested in teaching English through virtual classes.*
2. *It could be that the pendulum will return towards pedagogy that prioritizes formal accuracy over communicative fluency, but I doubt this for several reasons.*

### ۳-۳-۴ نقش اطلاعات‌دهنده (Informational)

همان‌طور که **مون (۱۹۹۸)** اشاره می‌کند، اصطلاحات ممکن است برای انتقال اطلاعات جدید، شامل توصیف یک‌فرایند، وضعیت، یا کیفیت، به‌کار روند. در پیکره زبانی پژوهش حاضر، این کارکرد با عبارت اصطلاحی به‌صورت زیر محقق شده است.

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های انگلیسی‌زبان‌ها:

1. *From the perspective of cultural studies, exploration of these texts allows students to deepen their understanding of current issues in UK society.*
2. *Conversely, so-called 'zero' and even 'false' beginners may actually benefit most from items in Quadrant 2 (frequent and transparent), as they are just coming to grips with the language.*

نمونه‌ای از این نقش در پیکره مقاله‌های فارسی زبان‌ها:

1. *Much of the research into EFL pragmatics has focused on the use of code switching and demonstrates that*

*the prevailing ELT view of code switching, that it is used primarily to fill gaps in lexical knowledge, is often far from the truth.*

#### ۳-۳-۴ نقش تعیین ماهیت (Modalizing)

تعیین ماهیت، به گفته مون (۱۹۹۸)، نقش مهم دیگری از اصطلاحات و نشان‌دهنده ماهیت است. بر اساس توصیف مون، نمونه‌های زیادی از عبارات‌های اصطلاحی در مقاله‌های پژوهشی قابل مشاهده‌اند که مانند گفتار، برای تحقق نقش تعیین ماهیت به کار می‌روند.

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های انگلیسی زبان‌ها:

1. *The same must be said of teachers; however, it is extremely difficult to participate in, let alone direct, a genuinely communicative interaction while simultaneously paying attention to and remembering the form of the utterances produced.*
2. *It would be impossible to listen to four or five conversations (or however many groups there are) simultaneously, but teachers can catch a portion of each conversation, listening to each group in turn and writing down inaccurate language use, whether it interferes with the communicative flower or not.*

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های فارسی زبان‌ها:

1. *Similar variation occurs with respect to non-grammar language work as well (for example sometimes the heading is just 'Vocabulary', sometimes 'Vocabulary and pronunciation', sometimes only 'Pronunciation', and so on).*
2. *In several cases, this analysis pointed to much greater continuity between periods, in terms of the underlying conceptual content of the discussions preoccupying writers, than our surface investigation of terms had at first indicated.*

#### ۴-۳-۴ نقش تأکیدی (Emphatic)

در مقاله‌های موجود در پیکره پژوهش حاضر، گاهی اصطلاحات برای تأکید بر اهمیت موضوع مقاله به کاررفته‌اند. به نظر می‌رسد که نویسندگان عمدتاً تلاش می‌کنند تا با به کارگیری اصطلاحاتی مانند call into question بر یک

بحث تأکید کنند، یا با اصطلاحاتی مثل shed light on تمرکز اصلی مقاله خود را نشان دهند، یا با استفاده از اصطلاحاتی چون to be touched upon تأکید کنند که آن‌ها به موضوع فقط به‌طور خلاصه و گذرا اشاره خواهند کرد.

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های انگلیسی زبان‌ها:

1. *The traditional division of conditionals into four main types (zero, first, second, and third) has long been called into question.*
2. *Willis (2003) reminds us that this is both inevitable and desirable: errors are part of the developmental process, and 'it is the learners' attempts to mean that pave the way for learning' (ibid. :110-111, emphasis added) and for noticing what they need to learn.*

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های فارسی زبان‌ها:

1. *It seems that males need more training, that is, in the light of learning more strategies and practicing some essential strategies, they might improve their rate of success. Leung and Chan (1998) believe that males should improve their motivation.*
2. *There is a wealth of data in these Listening Logs that can only be touched upon in this article.*

#### ۵-۳-۴ نقش سازماندهی کننده

##### (Organizational)

کارکرد مهم دیگر اصطلاحات که مون (۱۹۹۸) از آن به «سازماندهی کننده» و سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) از آن «به‌فرازبانی» (meta language) تعبیر می‌کنند، در پیکره این پژوهش نیز مشاهده شد. اصطلاحات در برخی از بخش‌های مقاله‌های پژوهشی نقشی اساسی در سازماندهی متن و به حداکثر رساندن انسجام و پیوستگی مقاله‌ها ایفا می‌کنند.

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های انگلیسی زبان‌ها:

1. *In other words, the CF provided closely reflected the needs of individual students.*
2. *Corrective feedback literature to date has, with very few exceptions, examined feedback provided by teachers during teacher-fronted activities, in which the teacher controls the activity itself as well as the type and quantity of language produced.*

نمونه‌هایی از این نقش در پیکره مقاله‌های فارسی زبان‌ها:

1. **In addressing the third question, the number of errors produced by each student (as identified in the transcripts) was compared to the number for each student on the teacher worksheets.**
2. **On the other hand, it also seems likely that the gap identified above, between ELT methodology at the level of theorizing, on the one hand, and of indicative classroom practice on the other, will continue to exist for the foreseeable future.**

#### ۴-۳-۶ نقش چندگانه (Cross-functioning)

با بررسی اصطلاحات متوجه می‌شویم که در مقاله‌های پژوهشی برخی از اصطلاحات ممکن است نقش بیشتری از نقش معمول خود داشته باشند. مون (۱۹۹۸) این پدیده را "نقش چندگانه" نامیده است. برای مثال، اصطلاحاتی که نقش ارزیابی‌کننده دارند، می‌توانند همزمان ابزار پیوستگی و سازماندهی‌کننده متن نیز باشند، مانند اصطلاح *in the light of* در اولین مثال زیر. اصطلاحات همچنین می‌توانند در آن واحد نقش ارزیابی‌کننده داشته باشند، مانند اصطلاح *in the light of* در مثال دوم:

1. **In the light of foregoing discussion, teachers have to realize that they need to ascertain what motives learners bring to a task in order to understand the interactions that occur when the tasks are performed.**
2. **This paper argues that while CA has been important, it needs re-evaluation in the light of the more fluid communicative practices of English used as a global lingua franca.**

طبق تعریف مون (۱۹۹۸)، انتخاب و کاربرد عبارات و اصطلاحات ثابت مربوط به فهم لغوی معنا نیست، بلکه بخشی از همکنشی پویا و جاری گوینده/نویسنده و شنونده/خواننده در موقعیت گفتگویی است. با توجه به این نکته، ما تلاش کردیم نمونه‌هایی از اصطلاحاتی را پیدا کنیم که در زمینه‌های مختلف نقش‌های مختلفی دارند. نمونه‌های زیر می‌توانند این نکته را روشن کنند:

1. **In this respect, Brown and Miller (1991, p. 345) argue that zero anaphors, pronouns, and other "cross-reference expressions represent given information which is typically assumed or not referred to at all". As such, the**

*conclusion one can arrive at would be that most of the information presented in dorm casual talk samples is 'given' or 'assumed' for the speakers and, for the most part, is codified through pronominal and zero anaphors.*

2. *Whilst an explicitly grammar-focused task might be perceived as such by many learners, to what degree do they see skills work as opportunities for putting grammar to use?*
3. *The Listening Log is a form of journal and as such is not a new idea, as learner diaries have been used in teacher training and language learning for some time, and have been particularly popular in Southeast Asia (Matsumoto 1996).*

در سه نمونه بالا، *as such* نقش‌های مختلفی دارد. در جمله اول، این اصطلاح نقش سازماندهی‌کننده دارد، اما در جمله دوم نقش تأکیدی، و در مثال سوم، این اصطلاح نقش‌های سازماندهی‌کننده و تأکیدی را همزمان بر عهده دارد.

#### ۵. بحث و بررسی

انجام پژوهشی پیکره‌محور و همچنین محدود کردن پیکره مورد بررسی به‌زانی خاص در راستای پژوهش‌های پیشین است. برای مثال، بایبر، کنراد و رپن (Biber, Conrad & Reppen) بر این باورند که تحلیل زبان‌شناسانه مبتنی بر پیکره "بر اساس الگوها و ساختارهای متعارف و رایج زبان است، نه بر اساس شهود و ادراک، که مسلماً نمی‌تواند کارکرد واقعی زبان را نشان‌دهند" (صص ۱۷۰-۱۶۹)

سینکلر (Sinclair) (۱۹۹۱) اذعان دارد که پیکره باید حاوی میلیون‌ها کلمه پویا باشد تا مطمئن شویم که آن پیکره، داده‌های کافی برای دلالت را دارد. با این حال، انتخاب پیکره‌های بزرگ مانع بررسی دقیق خواهد شد و بسیاری از پژوهشگران تحقیق با پیکره‌های کوچک ولی تخصصی را تأیید می‌کنند (بایبر ۱۹۸۹، بایبر و همکاران ۱۹۹۴، ۱۹۹۸). با توجه به این نکته، پیکره‌ای نسبتاً کوچک متشکل از مقاله‌های پژوهشگران در این تحقیق به کار رفت و به بررسی نقش و کاربرد آن‌ها پرداخته شد.

نتایج بدست آمده برای سوال اول این پژوهش که در

مورد پربسامدترین اصطلاحات انگلیسی به کار رفته در مقاله های پژوهشی زبانشناسی کاربردی است، نشان می دهد که پربسامدترین اصطلاحاتی که در ژانر بسیار دانشگاهی و رسمی مقاله های پژوهشی به کار می روند بسیار متفاوت از اصطلاحات انگلیسی است که در ژانرهای دیگر در مطالعات قبلی یافت شدند (سیمپسن و الیس، ۲۰۱۰؛ لیو، ۲۰۱۲ و رفعت بخش و احمدی، ۲۰۱۹). این یافته کاملاً یافته های قبلی را تأیید می کند، مبنی بر اینکه اصطلاحات وابسته به سبک خودند (بایبر و همکاران، ۱۹۹۹، مون، ۱۹۹۸). افزون بر این، نتایج بدست آمده برای سوال اول این پژوهش، نتیجه بایبر و همکاران (۱۹۹۹) را نیز تقویت می کند که "اگرچه مطالعات پیشین ادعا می کنند که اصطلاحات بیشتر در مکالمه رایج هستند، ولی برخی از اصطلاحات اختصاصاً فقط مربوط به ژانر خبر و ژانر نوشتاری دانشگاهی اند. به عنوان مثال، اصطلاحات have an/no/the effect, make use of, take the form of فقط مخصوص ژانر نوشتاری آکادمیک هستند" (ص. ۱۰۲۸).

این نتیجه نیاز به تقسیم بندی اصطلاحات را به گروه های: اصطلاحات رسمی-نوشتاری، رسمی-گفتاری، غیررسمی-گفتاری و غیره در کتاب های آموزشی زبان انگلیسی مبرم می کند.

سوال دوم این پژوهش، در باره تفاوت میزان بهره گیری از اصطلاحات بین نویسندگان فارسی زبان و انگلیسی زبان در مقاله های انگلیسی زبان شناسی کاربردی بود. همان طور که نتایج تحلیل های توصیفی جدول ۷ تأیید می کند، نویسندگان انگلیسی زبان نسبت به هممتایان فارسی زبان خود از اصطلاحات بیشتری استفاده کرده اند. دلیل این کار ممکن است مجموعه گسترده دانش اصطلاحات آن ها به عنوان گویشوران زبان انگلیسی و آگاهی از قابلیت اصطلاحات برای بیان دقیق و صریح ایده ها باشد. از طرف دیگر، به نظر می رسد نویسندگان فارسی زبان در نگارش مقاله های پژوهشی خود، سبک و سیاق گفتمان نوشتاری زبان فارسی را به گفتمان نوشتاری زبان انگلیسی انتقال می دهند. همانطور که بیکر (۲۰۱۸) اشاره می کند استفاده از اصطلاحات از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. در زبان انگلیسی تفاوت بین گفتمان نوشتاری و گفتاری آنچنان زیاد نیست و اصطلاحات حتی در ژانرهای رسمی و جدی نفوذ کرده اند (ص. ۷۶). از طرف دیگر، در برخی از زبان ها

مانند عربی و چینی تفاوت فاحشی بین گفتمان نوشتاری و گفتاری وجود دارد و گفتمان نوشتاری بسیار رسمی است (بیکر، ۲۰۱۸). بنابراین، استفاده از اصطلاحات در گفتمان نوشتاری این زبان ها اصلاً رایج نیست. زبان فارسی هم بظاهر در دسته دوم قرار دارد و ژانر گفتمان نوشتاری وجود اصطلاحات را بر نمی تابد.

هدف آخرین پرسش این پژوهش مقایسه نقش های اصطلاحات به کار رفته در مقاله های مولفان انگلیسی زبان و فارسی زبان بود. نقش هایی که اصطلاحات انگلیسی در دو پیکره مورد پژوهش این مطالعه ایفا می کردند، مطابق با یافته های مون (۱۹۹۸) و سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) می باشند. نقش سازماندهی کننده اصطلاحات در این بین قابل توجه بود. این نکته را این گونه می توان توجیه کرد که غالباً از مولفان مقاله های تحقیقی خواسته می شود تا انسجام و پیوستگی متون خود را حفظ کنند و بهترین راه حل برای انجام این کار استفاده از اصطلاحاتی است که نقش سازماندهی کننده دارند.

## ۶. نتایج و کاربردهای آموزشی

پژوهش حاضر نشان می دهد که اصطلاحات در مقاله های پژوهشی گستره زبان شناسی کاربردی به زبان انگلیسی به کار می روند و بررسی بیشتر آن مستلزم پژوهش های بیشتر با پیکره بزرگ تری از مقاله های پژوهشی است. با این حال، این پژوهش با پیکره ای کوچک از مقاله های تحقیقی صورت گرفت تا این فرضیه که اصطلاحات انگلیسی در مقاله های پژوهشی هم نقش مهمی دارند بررسی شود. نتایج بدست آمده نشان می دهد که اصطلاحات انگلیسی در دوره های آموزشی EAP باید مورد توجه بیشتری قرار بگیرند زیرا که این جنبه از گفتمان مقاله های پژوهشی به زبان انگلیسی تاکنون مورد غفلت قرار گرفته بود.

دوم، توزیع اصطلاحات در مقالات نشان می دهد که، همان طور که سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) اشاره می کنند، بهتر است استفاده از اصطلاحات به عنوان یک ویژگی گویش فردی نویسنده در نظر گرفته شود. نتایج نشان داد که برخی از نویسندگان از اصطلاحات بسیار متنوعی در تمام بخش های مقاله های خود استفاده کرده اند، در حالی که گروهی دیگر از نویسندگان تمایلی به استفاده از اصطلاحات در نوشتار خود ندارند.

یافته‌های این پژوهش، افزون بر به‌دست دادن فهرستی از عبارت‌های اصطلاحی که ممکن است مورد استفاده استادان دانشگاهی درس نگارش و تهیه‌کنندگان مواد آموزشی قرار گیرد، توجه ما را به کاربردهای مختلف اصطلاحات در مقاله‌های زبان‌شناسی کاربردی جلب می‌کند و چگونگی استفاده نویسندگان مقالات از این اصطلاحات به‌منظور دستیابی به اهداف ارتباطی را به‌شيوه‌ای که مطلوب خوانندگان است بر ما آشکار می‌کند.

افزون بر این، با مقایسه نگارش دانشگاهی نویسندگان غیربومی با سطح زبانی پیشرفته و نویسندگان بومی حرفه‌ای در بافت یکسان، یافته‌های پژوهش در روشن کردن تفاوت‌های این دو ما را یاری خواهد کرد. سپس، می‌توان این تفاوت‌های کیفی در به‌کارگیری زبان را به‌منظور دستیابی به اهداف مختلف خود به‌کار گرفت. نخست آنکه می‌توان با استفاده از آن‌ها نواقص موجود در مهارت نگارش فراگیران پیشرفته زبان را شناسایی کرد. به‌عبارت دیگر، می‌توان با استفاده از این یافته‌ها، به‌آن‌ها برای کاربرد اصلاحات مورد نیاز در نگارش برای نزدیک‌تر شدن به‌نگارش معیار در بین اعضای جامعه گفتمانی نگارش دانشگاهی آگاهی داد. دوم، یافته‌های این پژوهش احتمالاً برای استادان نگارش که در پی آموزش نگارش مقالات پژوهشی به دانشجویانند، می‌تواند ارزشمند و راهگشا باشد. بر خلاف حدس‌های مبتنی بر دریافت‌های شهودی در رابطه با هنجارهای نگارش دانشگاهی، اگر چنین آموزش‌هایی بر مبنای شواهد تجربی مستخرج از پیکره‌های بزرگ باشند، به‌احتمال قوی، این آموزش‌ها به‌توفیق بیشتر نویسندگان و سهولت بیشتر در چاپ مقالات خواهد انجامید. در باره درس‌هایی که با آموزش اصطلاحات سر و کار دارند، یافته‌های پژوهش در کنار فهرست‌های تهیه شده حاوی اصطلاحات و کاربرد گفتمانی آن‌ها می‌توانند مؤثر واقع شوند. این نکته را که اصطلاحات وابسته به‌بافتند و در سیاق‌های مختلف کاربردهای خاصی دارند، می‌توان در محصولات آموزشی مختص اصطلاحات

## منابع

non-native speakers of English: A lexical bundles approach. *English for Specific Purposes*.

گنجانند. در حال حاضر، کتاب‌های آموزش اصطلاحات ( مک کارتی و ادل (McCarthy & O'Dell)، ۲۰۰۲) در رابطه با آموزش اصطلاحات طوری عمل کرده‌اند که گویا اصطلاحات صرفاً یک ویژگی از زبان انگلیسی گفتاری هستند و هیچ نقشی در سیاق‌های دیگر ندارند و بنابراین، هیچ‌بخشی برای معرفی اصطلاحات رسمی مختص گفتمان مقالات دانشگاهی ندارند. روشن است که با معرفی اصطلاحات مختص نگارش دانشگاهی که بر پایه پیکره‌های زبانی انتخاب شده‌اند می‌توان کتاب‌های جامع تری در این گستره به‌نگارش آورد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند فرصت مهمی برای آموزگاران و طراحان محصولات آموزشی پدیدآورد تا با افزایش شناخت خود از شیوه استفاده از عبارات اصطلاحی در نگارش دانشگاهی، افزون بر دادن رنگ و بوی بومی بیشتر به‌متون خود، از کاربردهای بسیار مهم عملی این اصطلاحات سود ببرند. در نتیجه، همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، یافته‌ها به‌طراحان محصولات آموزشی و برنامه‌های آموزشی در رابطه با توجه به‌جایگاه اصطلاحات در نگارش دانشگاهی و لزوم آموزش آن‌ها اطمینان دوباره می‌دهند. حتی با وجود در دسترس بودن محصولات آموزشی مناسب، انتخاب نگرش‌های صحیح به‌آموزش اصطلاحات از اهمیت بالایی برخوردار است. سیمپسون و مندیس (۲۰۰۳) به‌آموزگاران پیشنهاد می‌کنند که به‌اصطلاحات رویکردی کل‌نگرانه اتخاذ کنند، به‌این معنی که می‌بایست در کنار بررسی معنای اجزای سازنده اصطلاح به‌معنای ترکیبی این اجزا نیز توجه کرد.

سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که برخی از اصطلاحات معناهای ترکیبی بسیار متفاوتی با معنای اجزای سازنده خود دارند و در برخی دیگر نیز «استعاره ذهنی» واجد «سطح بالایی از شفافیت» است. بنابراین، سیمپسن و مندیس (۲۰۰۳) آن‌جا که پیشنهاد می‌کنند آموزگاران اولین دسته از اصطلاحات را به‌صورت واحدهای مستقل آموزش دهند، به‌نکته درستی اشاره کرده‌اند.

Adel, A., & Erman, B. (2012). Recurrent word combinations in academic writing by native and

31(2), 81-92.

Akbarian, I. (2012). What counts as a proverb? The case of NTC's dictionary of proverbs and

clichés. *Lexikos*, 22, 1-19.

Baker, M. (2018). *In other words: A coursebook on translation*. Routledge.

Biber, D. (1989). A typology of English texts. *Linguistics*, 27, 3-43.

Biber, D., Conrad, S., & Reppen, R. (1994). Corpus-based approaches to issues in applied

linguistics. *Applied Linguistics*, 15, 169-189.

Biber, D., Conrad, S., & Reppen, R. (1998). *Corpus linguistics: Investigating language structure*

and use. Cambridge: Cambridge University Press.

Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *Longman grammar of*

*spoken and written English*. Harlow, England: Longman.

Durrant, P. (2009). Investigating the viability of a collocation list for students of English for

academic purposes. *English for specific purposes*, 28, 157- 169.

Esfandiari, R., & Barbary, F. (2017). A contrastive corpus-driven study of lexical bundles

between English writers and Persian writers in psychology research articles. *Journal of*

*English for Academic Purposes*, 29, 21-42.

Fernando, C. (1996). *Idioms and idiomaticity*. Oxford University Press. Oxford.

Gledhill, G. (2000). The discourse functions of collocation in research article introductions.

*English for Specific Purposes*, 19, 115-135.

Grant, L., Bauer, L. (2004). Criteria for re-defining idioms: Are we barking up the wrong tree?

*Applied Linguistics*, 25 (1), 38-61.

Grant, L. E. (2007). In a manner of speaking: Assessing frequent spoken figurative idioms to

assist ESL/EFL teachers. *System*, 35, 169-181.

Hyland, K. (1998). *Hedging in scientific research articles*. John Benjamins

Publishing.

Hyland, K. (2005). Stance and engagement: a model of interaction in academic discourse.

*Discourse Studies*, 6 (2), 173-91.

Hyland, K. (2006). *English for academic purposes: An advanced resource book*. London:

Routledge.

Hyland, K. L., & Paltridge, B. (Eds.). (2011). *Continuum companion to discourse analysis*. New

York: Continuum.

- Langlotz, A. (2006). *Idiomatic creativity: A cognitive-linguistic model of idiom-representation and idiom-variation in English*. John Benjamins Publishing Company
- Liu, D. (2003). The most frequently used spoken American English idioms: A corpus analysis and its implications. *TESOL Quarterly*, 38(4), 671-700.
- Liu, D. (2012). The most frequently-used multi word constructions in academic written English: A multi-corpus study. *English for Specific purposes*, 31, 25-35.
- Martin, J. (2000). Beyond exchange: APPRAISAL systems in English. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in text: Authorial stance and the construction of discourse* (pp.142-75). Oxford: OUP.
- Martin, J. R., & White, P. R. (2003). *The language of evaluation: Appraisal in English*. London: Palgrave/ Macmillan.
- McCarthy, M. J. (1998). *Spoken Language and Applied Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- McCarthy, M. J., & O'Dell, F. (2002). *English Idioms in Use*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Moon, R. (1998). *Fixed expressions and idioms in English*. Oxford: Clarendon Press.
- Rafatbakhsh, E., & Ahmadi, A. (2019). A thematic corpus-based study of idioms in the Corpus of Contemporary American English. *Asian-Pacific Journal of Second and Foreign Language Education*, 4(11).
- Rafatbakhsh, E., & Ahmadi, A. (2020). The most frequent idioms used in contemporary American English: A corpus-based study. *Applied Research on English Language*, 9(2), 205-228.
- O'Keeffe, A., McCarthy, M., & Carter, R. (2007). *From corpus to classroom: Language use and language teaching*. Cambridge University Press.
- Peacock, M. (2012). High-frequency collocations of nouns in research articles across eight disciplines. *Ibérica: Revista de la Asociación Europea de Lenguas para Fines Específicos (AELFE)*, 23, 29-46.
- Siefring, J. (Ed.). (2005). *The Oxford dictionary of idioms*. Oxford: Oxford University Press.
- Simpson-Vlach, R., & Ellis, N. C. (2010). An academic formulas list: New methods in

phraseology research. *Applied Linguistics*, 31(4), 487-512.

Simpson, R., & Mendis, D. (2003). A Corpus-based study of idioms in academic speech. *TESOL*

*Quarterly*, 37(3), 419-441

Sinclair, J. (1991). *Corpus, concordance, and collocation*. Oxford: Oxford University Press.

Shahriari, H., Ghonsooly, B., & Hosseini Fatemi, A. (2013). An analysis of lexical bundles in

research article abstracts by Iranian and native English-speaking authors of *Applied*

Linguistics articles. *Asian ESP Journal*, 9(1), 7-25.

Vaclavíková, E. (2010). *Idioms of colors: A corpus-based study*. (Unpublished doctoral

dissertation), Masaryk University, Russia.

Wray, A., & Perkins, M. R. (2000). The functions of formulaic language: an integrated model.

*Language and Communication*, 20, 1-28.

زارعی، عباسعلی، شیر محمدی، حمیده. (۱۳۹۸). راهبردهای استنباط واژگانی تأثیرگذار بر ساخت و درک اصطلاحات زبان انگلیسی. پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی. (۲)۹. ۵۳۸-۵۱۵.